

۱۸۸۸۷۵

۸۵ - ۸ - ۱۵

تحقق رویاها^۳

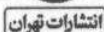
با دست پر بس ساده رویای خود را دریابید
و آن را عملی سازید

رشته
جان ماریس

ترجمه
مهدی قراچه‌داغی



انتشارات تهران



جان ماکسول

ترجمہ مہدی قراچہ داغی

ویراستار: مرجان فرجی

چاپ دوم، ۴۰۰ نسخه، ۱۳۹۵

حروف چینی: شبستری

نا اړ چاپ: علی رضا دوستی

شماره: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۱-۲۸۸

تهران، خیابان پاسداران، چهارمین شماره ۵۱۴ - صندوق پستی: ۱۹۵۸۵-۴۸۷

تلفن های انتشارات: ۲۵۴۵۲۱۹، ۲۲۷۶۰۶۹۸، ۲۲۷۶۰۶۹۹ تلفکس: ۲۲۵۶۹۸۰۱

تلفن‌های مرکز پخش: ۶۶۹۵۹۹۵۸، ۶۶۹۷۴۷۷

کلیه حقوق چاپ و نشر اثر برای انتشارات تهران محفوظ است

Maxwell, John C.

ماكسوا، جاز، ١٩٤٧ م.

تحقیق رویاها: پاده پرسش ساده رویای خود را دریابید و آن را بسازید/

نویسنده: جان ماکسول؛ مترجم: مهدی قراچه داغی. -- تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۸.

٢٥٦ ص. ٢١/٥ و ١٤/٥ س. م.

شایک: ۸-۲۸-۲۹۱۱-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا

Put your dream to the test: 10 questions

عنوان اصلی:

that will help you it and seize it, C 2009

موضوع: موفقیت در کسب و کار

موضوع: موفقیت

موضوع: راہ و رسم زندگی

شناسه افزوده: قراچه داغی، مهدی، ۱۳۲۶ - مترجم.

ده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۳ ت ۲۴ م ۵۳۸۶ HF

۶۵۰/۱: ده بندی دیوبند

شماره کتابشناسی، ملی: ۱۹۳۳۰۶۵

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

فهرست

- پیشگفتار ۵
- فصل ۱. سؤال مددکننده: آیا رواییم به واقع به خود من تعلق دارد؟ ۲۵
- فصل ۲. سؤال وضوح: آیا رواییم را به روشنی می بینم؟ ۵۱
- فصل ۳. سؤال واقعیت: آیا به درستی از عواملی که کنترلشان در اختیار من است، برای سرسری به رواییم استفاده می کنیم؟ ۷۵
- فصل ۴. سؤال اشتیاق: آیا رواییم مرا وادار می سازد که آن را دنبال کنم؟ ۱۰۱
- فصل ۵. سؤال مسیر: آیا برای رسیدن به رواییم راه کاری سراغ دارم؟ ۱۲۵
- فصل ۶. سؤال اشخاص: آیا کسانی را که برای تحقق رواییم آنها احتیاج دارم، در نظر گرفته ام؟ ۱۴۹
- فصل ۷. سؤال هزینه: آیا حاضرم بهای رواییم را بپردازم؟ ۱۶۹
- فصل ۸. سؤال پیگیری: آیا به رواییم نزدیک تر می شوم؟ ۱۹۳
- فصل ۹. سؤال رضایت: آیا کارکردن در راستای رواییم به من رضایت خاطر می دهد؟ ۲۱۷
- فصل ۱۰. سؤال اهمیت: آیا رویای من نفعی به حال دیگران دارد؟ ۲۳۷
- نتیجه گیری: نگاهی به آینده، نگاهی به گذشته ۲۵۵

پیشگفتار

چه رویایی در سر دارید؟

رویای شما کدام است؟ آیا در طول زندگی خود به این رویا دست می‌یابید؟ شکی ندارم که دلتان می‌خواهد این اتفاق بیفتد. مطمئنم امید دارید که اینگونه شود، اما آیا به واقع می‌توانید به این خواسته خود برسید؟ فکر می‌کنید چقدر احتمال دارد موفق شوید؟ یک در پنج؟ یک در صد؟، یک در میلیون؟ از کجا می‌فهمید که شانس موفقیتتان زیاد است یا رویاتان همیشه یک رویا باقی خواهد ماند؟ آیا حاضرید بخت خود را امتحان کنید؟

اغلب کسانی که من می‌شناسم، رویایی در سر دارند. روایع اگر نگوییم از هزاران نفر، حداقل از صدها نفر درباره رویایشان پرسیدم. بعضی‌ها مشتاقانه از جزئیات آن حرف می‌زنند. بعضی دیگر، از صحبت کردن در این باره اکراه دارند؛ به نظر می‌رسد خجالت می‌کشند که با صدای بلند درباره رویایشان حرف بزنند. اینها هرگز رویایشان را امتحان نکرده‌اند. نمی‌دانند آیا دیگران به آنها خواهند خندید یا نه. مطمئن نیستند که رویایشان بیش از اندازه بلندپروازانه است یا بیش از اندازه، نمی‌دانند آیا

به واقع می‌توانند به رویایشان برسند یا محکوم به شکست خواهند بود. آنها نظری ندارند که چگونه می‌توانند به رویاهایشان برسند. آنچه می‌دانند، برداشتی مبهم از هدف مورد علاقه یا خود ایده آل و آرمانی است. اما نمی‌دانند که چگونه می‌توانند به این خواسته خود برسند. اگر این توصیفات در مورد شما نیز صدق می‌کند، باید خوشحال باشید که همیشه جای امیدواری وجود دارد و معتقدم که این کتاب می‌تواند به شما کمک کند.

قبر از شرکت در آزمون، جواب‌ها را بدانید

زمانی که در مدرسه درس می‌خواندید، آیا به یاد دارید آموزگار قبل از گرفتن امتحان از شما گفته باشد که «این مطلبی که به شما می‌گویم، یکی از سؤالات امتحانی شماست؟» آره! گاهی را به یاد دارم که برای تشویق دانش آموزان همیشه حرف‌هایی از این دست می‌زدند. آنها با آماده‌سازی ما می‌خواستند کاری کنند که در امتحان موفق شویم. درواقع، منظورشان از گرفتن امتحان این بود که ما برای موفقیت آماده کنیم.

آرزویم این است که من نیز آموزگار مشوقی برای شما باشم. می‌خواهم شما را آماده کنم تا با آزمودن رویایان بتوانید به آن دست‌رس پیدا کنید. چگونه؟ معتقدم اگر سؤالات درست را بدانید، و آنها را از خرد پرسید و اگر بتوانید به شکلی مثبت به این پرسش‌ها پاسخ دهید، شانس خوبی خواهید داشت تا به رویاهایتان برسید. هرچه مقدار پاسخ‌های مثبت شما بیشتر باشد، امکان موفقیت شما نیز بیشتر خواهد بود. من این کتاب را به همین دلیل نوشته‌ام.

تصویر درست یا نادرست یک رویا

حدود چهل سال است که درباره اشخاص موفق مطالعه کرده‌ام و هزاران نفر را می‌شناسم که رویاهایشان را تحقق بخشیده‌اند. من نیز به هدف‌هایی در زندگی خود رسیده‌ام و به این نتیجه رسیده‌ام که بسیاری از مردم درباره رویاهای برداشت اشتباهی دارند. ببینید مردم چه چیزهایی را دنبال می‌کنند و آنها را رویاهای زندگی خود می‌پندارند:

- * خیال پردازی - فاصله گرفتن از کار و واقعیت فعلی.
- * بلندپروازی - ایده‌های بزرگ بدون اینکه راه کاری برای آن داشته باشند.
- * رویاهای بد - نگرانی‌هایی که ترسید هراس و فلج شدن می‌کنند.
- * رویاهای آرمان‌گرایانه - اینکه اگر برنوشت دنیا را به شما می‌سپردند، دنیا به بهشتی برین تبدیل می‌شود.
- * رویاهای وکالتی - رویاهایی که از سوی دیگران تحقق می‌یابند.
- * رویاهای عاشقانه - این باور که کسی شما را خوشبخت خواهد کرد.
- * رویاهای شغلی - این باور که اگر در کارتان موفق شوید، خوشبخت می‌شوید.
- * رویاهای مقصدی - این باور که سمت، عنوان یا جایزه‌ای شما را خوشبخت می‌کند.
- * رویاهای مادی - این باور که ثروت و دارایی شما را خوشبخت می‌کند.

اگر اینها رویاهای خوبی نیستند، پس رویاهای خوب کدامند؟ تعریف من از رویای خوبی که می توان آن را امتحان کرد و موفق شد، چیست؟ رویا تصویری الهام بخش از آینده ای است که با تقویت اراده و احساساتتان شما را توانا می سازد تا در زندگی خود به آنچه می خواهید رسید. رویایی که ارزش پیگیری دارد، تصویر و پیش طرحی از هدف و توانمندی های یک شخص است، و یا آنطور که دوستم - شارون هال - می گوید، «و یا بذریعۀ امکانی است، که در روح و روان انسان کشت می شود و سبب آن گردد تا او مسیر منحصر به فردی را طی کند تا هدفش را محقق سازد.»

شبه 'پنه اندیشه ای در سر دارید؟

رویاها در حکم کالاهای روزمندی هستند، که ما را به جلو می رانند، به ما انرژی می بخشد، ما را مستاق می کنند. هر کس باید رویایی در سر داشته باشد. اما اگر مطمئن نباشید چه مدفی را می خواهید دنبال کنید، چه اتفاقی می افتد؟ باید قبول کنیم که بسیاری از افراد در زندگی تشویق نشده اند که اصلاً رویایی در سر داشته باشند. عده ای دیگر رویاهایی در سر دارند، اما خیلی زود امیدشان را از دست می دهند و این رویاها اکنار می گذارند. برایتان خبرهای خوشی دارم: این امکان وجود دارد که رویاهایی برای خود بسازید یا رویاهای قبلی را از نو زنده کنید. مضاف بر اینکه، اینها می توانند رویاهای بزرگی باشند.

البته این بدان معنا نیست که رویاها باید بزرگ و عظیم باشند تا ارزش پیگیری داشته باشند. رویاها باید از شما بزرگ تر باشند. به گفته بازیگری به

نام جوسی بی‌ست^۱، «رویاها باید به اندازه‌ای بزرگ باشند که بتوانیم در آنها رشد کنیم».

رویاها باید به قدری بزرگ باشند که بتوانیم در آنها رشد کنیم.
- جوسی بی‌ست

اگر امیدتان را از دست داده‌اید و یا احساس می‌کنید که رویایتان را به پستو خانه^۲ رفته‌اید، و یا اگر هرگز با چیزی که از نظر شما ارزش دنبال کردن دارد ارتباط نبوده‌اید، احتمالاً این پنج دلیل اصلی به شما کمک خواهد کرد تا ببینید افراد در شناسایی رویای خود دچار اشکال می‌شوند:

۱. بعضی‌ها تحت تأثیر دیگران در پرداختن به رویای خود مانده‌اند

بسیاری از مردم تحت تأثیر القابات دیگران از رویاهایشان دست کشیده‌اند. دنیا پر از کسانی است که رویای خود را می‌کشند و ایده‌ها را نابود می‌سازند. بعضی‌ها که خود رویایی در سر ندارند چشم آن را ندارند که ببینند دیگران صاحب رویا باشند. این اشخاص را «ره‌تیت دیگران» ناراحت شده و احساس بی‌کفایتی و ناامنی می‌کنند.

گری همل^۲ و سی. کی. پراهلاد^۳ - استادان رشته مدیریت بزرگانی - به تجربه‌ای اشاره دارند که روی میمون‌ها به عمل آمد. چهار میمون را در اتاقی قرار دادند، که میله بلندی در وسط آن وجود داشت. در بالای این

1. Josie Bisset

2. Gary Hamel

3. C.K. Prahalad

میلۀ چند موز آویزان کرده بودند. یکی از میمون‌های گرسنه سعی کرد از میلۀ بالا برود تا غذایی برای خوردن پیدا کند. اما وقتی دستش را برای برداشتن موزها دراز کرد، آب سردی به روی او پاشیدند. میمون جیغی کشید و از میلۀ پایین آمد و از فکر خوردن غذا گذشت. همه میمون‌ها این کار را تکرار کردند و با پاشیدن آب سرد مواجه شدند. میمون‌ها چندین بار شانس خوردن را امتحان کردند و سرانجام تسلیم شدند.

بد پژوهشگران یکی از میمون‌ها را از اتاق بیرون بردند و به جای او میمون دیگری را در اتاق قرار دادند. وقتی میمون جدید شروع به بالا رفتن از میلۀ کر میمون‌های دیگر او را گرفتند و پایین کشیدند. این میمون هم بعد از چندبار تلاش برای بالا رفتن از میلۀ و متوقف شدن از سوی سایر میمون‌ها، از خوردن موز منصرف شد و تسلیم گردید.

پژوهشگران میمون‌ها، یکسری عوض کردند و میمون‌های جدیدی وارد اتاق کردند، اما مریب میمون تازه وارد می‌خواست از میلۀ بالا برود، سایر میمون‌ها او را پایین می‌کشیدند. سرانجام، زمانی فرا رسید که با وجودی که هیچکدام از میمون‌های داخل اتاق تجربه خیس شدن با آب سرد را نداشتند، اما هیچکدام از میلۀ بالا نمی‌رفتند و بدان آنکه علت آن را بداند، از بالا رفتن سایر میمون‌ها نیز جلوگیری می‌کردند.

شاید دیگران شما را از انجام کاری منصرف کرده یا مانع از ورود و اندن رویایی در ذهنتان شده باشند؛ شاید از این ناراحتند که شما قدم مثبتی در زندگیتان بردارید؛ شاید هم می‌خواستند مانع از ناامیدی و سرخوردگی بعدی شما در زندگی شوند. به هر صورت، اگر از دل‌بستن به آرمان‌ها و رویاهایتان مأیوس شده‌اید، به خود جرأت دهید و امیدوار باشید؛ هرگز برای فکر کردن به رویاها و تلاش برای تحقق آن‌ها دیر نیست.

۲. بعضی‌ها تحت تأثیر نومیدی‌ها و رنجش‌های گذشته با مشکل

روبرو می‌شوند

نومیدی خلئی است، که بین انتظارات و واقعیت قرار دارد. همه ما با این خلأ روبرو شده‌ایم. همه ما تجربه‌های ناخوشایند و دور از انتظار داشته‌ایم؛ مجبور شده‌ایم با انتظارات برآورده نشده خود زندگی کنیم؛ همه ما زمانی امیدهایمان بر باد رفته است. نومیدی می‌تواند به شدت به ما آسیب برساند. مارک تواین^۱ - داستان پرداز - می‌گوید: «باید مراقب باشیم که خرد و دینیتی را که در هر تجربه است، بیرون بکشیم و همان‌جا متوقف شویم تا مبادا حال و روز گریه‌ناشسته بر درپوشی داغ را پیدا کنیم. او هرگز نشستن روی درپوش داغ را و تجربه نخواهد کرد. البته، این اشکالی ندارد، اما اشکال اینجاست که از حق روی درپوش سرد هم نخواهد نشست.»

نومیدی خلئی است که بین انتظارات و واقعیت وجود دارد.

آیا به نظر تان این حرف درستی نیست؛ وقتی اشکالی بروز نمی‌کند، می‌گوئیم، «دیگر این کار را نمی‌کنم.» این اشتباه بزرگی است، به خصوص اگر در ارتباط با رویاهای ما باشد. شکست بهایی است که برای رسیدن به موفقیت باید بپردازیم. بعضی‌ها پیش از هر اقدام برای تحقق رویاهایشان، باید چندین بار شکست بخورند. یکی از سیاستمداران می‌گوید، چه‌بسا برای پیروز شدن مجبور شوید پیش از یکبار در یک نبرد شرکت کنید. باید مراقب باشیم که زود تسلیم نشویم.

1. Mark Twain

۳. بعضی‌ها به متوسط بودن عادت می‌کنند

ماورین داود^۱ - روزنامه‌نویس - می‌گوید: «به محض آنکه به چیزی کمتر از فراخور خود رضایت می‌دهید، به کمتر از آن دست می‌یابید.» رویاها مستلزم آنند که شخص طبعی بلند داشته باشد. نمی‌توان هم به رویاهای خود تحقق بخشید و هم به کم قانع بود. این دو باهم سازگاری دارند. وقتی انگیزه‌ای برای رویاپردازی نداریم، وقتی به متوسط بودن قناعت می‌نیم، ممکن است مشکل خود را بر گردن دیگران بیندازیم. ممکن است شرایط و نظام درست بروز مشکل خود ارزیابی کنیم. اما واقعیت این است که بسنده بود به - میانه و معمولی، همواره گزینه‌ای شخصی است. بروس لاکربی^۲ - مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره شرکت پی دیا^۳ - می‌گوید:

ضعیف و معمولی بودن ریشه در مسئله‌ای ملی دارد و نه مسئله‌ای سازمانی و نهادی است؛ مسئله‌ای ارتباط با یک واحد و بخش سازمانی هم نیست. معمولی بودن مسئله‌ای شخصی است. آموزش در آمریکا به هیچ‌وجه متحجر نیست. آموزش آمریکایی از میلیون‌ها محصل، میلیون‌ها معلم و میلیون‌ها کارمند در بخش‌های این تشکیل می‌شود. میلیون‌ها تولیدکننده و ویراستار و عرضه‌کننده از آن حمایت می‌کنند. اینها میلیارد‌ها دلار حقوق می‌گیرند. همه این اشخاص دست‌اندرکاران آموزش در آمریکا هستند، بنابراین، تحصیلات در آمریکا به هیچ‌وجه پیش پا افتاده و معمولی نیست. اما بعضی از ما متولیان آموزش و تدریس

1. Maureen Dowd

2. D. Bruce Lockerbie

3. PAIDEIA

و همینطور بعضی از دانش‌آموزان نسبت به مدیریت، آموزش و یادگیری تردید دارند. همانطور که می‌دانید، معمولی بودن یک ویژگی فردی است. کسی که می‌خواهد کمتر از حدّ خود ظاهر شود، و می‌گوید: «به‌زعم من، حد کفایت، به اندازه کافی خوب است.» دیری نمی‌گذرد که معمولی و کم‌مایه بودن همچون سرطان در سراسر پیکرش پخش می‌شود و با سرایت خود به دیگران، همه مردم را نیز به مخاطره می‌اندازد. اما همیشه به خاطر داشته باشید که متوسط و کم‌مایه بودن با «من» شروع می‌شود.

کسانی که ریاضی، ریگ در سر ندارند، در معرض این خطرند که زندگی خود را از دست بدهند. روزگارشان می‌تواند معمولی و پیش پا افتاده شود و بعد خود نیز شریک روزگارشان می‌شوند. کینت هیلدبراندا^۱ - نویسنده - درباره جنبه‌های منفی این تجربه می‌گوید:

فقیرترین آدم‌ها کسی نیست که آهی در بسا ندارد، بلکه کسی است که رویا و هدفی در سر ندارد. کار او به کشتی می‌ماند که برای درنوردیدن اقیانوس‌های عظیم ساخته شده است، اما سعی دارد در بهرگاه‌ای حرکت کند؛ بندرگاهی در دوردست انتظارش را نمی‌کشد؛ افقی ندارد؛ باز شود؛ محموله ارزشمندی ندارد که حمل کند. ساعت‌های عمرش را می‌شود بالطبع تعجیبی ندارد که این فرد ناراضی شود، از زندگیش سیر شود و مرتب غر بزند. یکی از بزرگ‌ترین فجایع زندگی این است که فردی با ظرفیت ۱۰ در ۱۲، روحی به ابعاد ۲ در ۴ داشته باشد.

1. Kenneth Hilderbrand

اگر احساس می‌کنید زندگیتان کم‌مایه و در حد متوسط است، باید سعی کنید برای خود رویای آرمانی دست‌وپا کنید. چیزی به اندازه رویایی ارزشمند، زنگارهای ذهنتان را پاک نمی‌کند.

۴. بعضی‌ها فاقد اعتماد به نفس کافی برای پیگیری رویاها و آرمان‌هایشان هستند

صحبت کردن درباره رویا اعتماد به نفس می‌خواهد و پیگیری رویا به اعتماد به نفس بیشتری احتیاج دارد. گاه اعتماد به نفس خط جدایی میان کسانی است که رویایی در سر داشته و آن را دنبال می‌کنند و آنهایی که این کار را نمی‌کنند. کارل گرو^۱، در یک بررسی در دانشگاه ویسکانسین^۲ به این نتیجه رسید که داشتن اعتماد به نفس برای موفقیت ضروری است. نتایج همین مطالعه در مورد بچه‌ها نشان داد، کسانی که برای خود ارزش قایل نیستند، ۳۷ درصد کمتر به مذاکره و صحبت کردن علاقمندند و ۱۱ درصد کمتر از راه کارهای حاصل از مذاکره با دیگران استفاده می‌کنند. او هم‌چنین به این نتیجه رسید که هرچه احساس خود-ارزشمندی کودک بیشتر باشد، سازگاری او افزایش پیدا می‌کند و استراتژین‌تر به مذاکره می‌دهد. به عبارت دیگر، هرچه به خود اعتماد و اطمینان بیشتری داشته باشید، به احتمال کمتری از پیگیری خواسته‌هایتان دست می‌کشید.

رویاها شکستنی هستند و به خصوص رویاهای جدیدتر از این لحاظ در معرض خطر بیشتری قرار دارند. وقتی کسانی که مورد علاقه و احترام همه هستند، این رویاها را تأیید نکنند و به خصوص زمانی که سابقه‌ای از

1. Karen Greno – Malsch

2. University of Wisconsin

تحقق رویاهایتان نداشته باشید، بسیار دشوارتر می‌توانید رویایتان را محقق کنید، زیرا از اعتماد به نفس کافی برخوردار نیستید. اعتماد به نفس مبتنی بر واقعیت‌ها برای تحقق رویاها ضروری است. اما چگونه می‌توان این اعتماد به نفس را به دست آورد؟ از طریق خودآگاهی. جو دیت باردویک^۱ - مشاور مدیریت - می‌گوید: «اعتماد به نفس واقعی از شناخت و پذیرش خریشتن حاصل می‌گردد. باید نقاط قوت و نقاط ضعف خود را بشناسد و به تأیید و تصدیق دیگران کاری نداشته باشید.» به همین دلیل است که فکر می‌کنم می‌توانم این کتاب به شما کمک شایانی می‌کند. با دادن پاسخ مثبت به این پرسش‌ها می‌توانید با اعتماد به نفس بیشتری رویاهایتان را دنبال کنید.

۵. بعضی‌ها اصلاً قادر نیستند، بیایم را در ذهن خود تصور کنند
اشخاص چگونه رویاهایشان را بخشایش می‌کنند؟ با رویاپردازی! ممکن است بسیار ساده لوحانه به نظر برسد، اما شرح کار از همینجاست. تصور و تخیل خاکی است که رویا را زندگی می‌بخشد. آلبرت اینشتین^۲ - فیزیک‌دان و برنده جایزه نوبل - که خود اندیشمند و رویاپردازی بزرگ بود، می‌گوید: «وقتی خودم و روش‌های فکری‌ام را بر رسم می‌کنم، به این نتیجه می‌رسم که نعمت رویاپردازی برای من معنایی فراسر از جنبه اندیشه مثبت داشته است.» اینشتین قدرت تخیل خود را «کنجکاوی مقدس» می‌نامید.

تصور و تخیل خاکی است که رویا را زندگی می‌بخشد.

1. Judith Bardwick

2. Albert Einstein

اگر در سابقه خود عامل مایوس‌کننده‌ای دارید که شما را از رسیدن به خواسته‌های خود منصرف می‌کند و یا فکر می‌کنید که خیال‌پرداز خوبی نیستید، امیدتان را از دست ندهید. شما هم می‌توانید رویایی برای خود در نظر بگیرید. خداوند این توانمندی را در همه ما به ودیعه گذاشته است. اگر به تماشای بچه‌ها بنشینید و به آنها دقیق شوید، متوجه می‌شوید که این سرفه درستی است. هر کودکی رویایی در سر دارد. من و همسر، رگارت، صاحب پنج نوه هستیم. هر وقت در کنار آنها هستیم، متوجه می‌شویم که چقدر تصورات و تخیلات زنده آنها به واقعیت نزدیک است، به طوری که به تیری در بحر تولیدات ذهنی خود فرو رفته‌اند، که گویی در این دنیا به سر نمی‌برند.

ماکس لوکاس و آلان جی از دوستان نویسنده‌ام، درباره امکانات و توانمندی‌های انسان، می‌گویند: «ما یک حادثه نیستید، که به شکلی اتفاقی پدید آمده باشید. شما به صورت زنده تولید نشده‌اید و محصول خط مونتاژ نیستید. شما به عمد و قصداً برنامه‌ریزی شده‌اید، از مهارت‌ها و استعدادها و ویژه‌ای برخوردارید و به دست این بزرگ هستی در این کره خاکی جای گرفته‌اید.» هرچه شروع زندگی شما را انگیزتر و بی‌روح‌تر باشد، از توانمندی بالقوه بیشتری برای تصویرسازی ذهنی برخوردارید. هاوارد شولتز^۲ تاجری که در خانواده‌ای بسیار معمولی بزرگ شده بود، با استفاده از خاک حاصلخیز تصورش فروشگاه زنجیره‌ای قهوه‌فروشی استار باکس را تأسیس کرد. شولتز می‌گوید:

1. Max Lucado

2. Howard Schultz

چیزی که در افراد رومانیک به آن برخورده‌ام این است که آنها سعی می‌کنند از یکنواختی زندگی روزمره، دنیایی جدید و بهتر بسازند. هدف استار باکس هم همین است: ما سعی داریم در فروشگاه‌های خود مکانی بسازیم که بتوانید در آنجا لحظه‌ای را در آرامش سپری کنید، به موسیقی گوش دهید و در حال نوشیدن یک فنجان قهوه، به شگفتی‌های عالم فکر کنید. به سئالات کلی، شخصی یا حتی بوالهوسانه کوچک و بزرگی که در ذهن می‌پرورانید، قدری بیندیشید.

چه کسی این کار را در رویای خویش تصور می‌کند؟ با توجه به تجربیات شخصی من، به این نتیجه رسیده‌ام که هر قدر در شروع زندگی از منابع الهام‌بخش ران‌گزاینده فاصله بیشتری داشته باشید، امکان اینکه با استفاده بهتر از قدرت تصور و تخیل خود، دنیایی خلق کنید که همه چیز در آن امکان‌پذیر باشد، بیشتر است. یقیناً این مطلب در مورد خود من صادق نباشد.

معتقدم که خداوند می‌خواهد که ما مجذوب ازمانه‌ها و خیالپردازی‌های خود شویم، و رویاهای بزرگ در سر ببرورانیم، زیرا انالق بزرگی است که می‌خواهد کارهای بزرگ انجام گیرد و ما را برای این خواسته‌ها برگزیده است. دوستم دیل ترنر^۱ می‌گوید: «رویاها قابل سجاید و احیا هستند. بدون توجه به سن و سال و شرایطی که داریم، هنوز امکان برگرداندن دست‌نخورده‌ای در ما وجود دارد، و زیبایی‌های جدیدی در انتظار متولد شدن هستند.» هیچ وقت برای سفر به اعماق رویاها و رسیدن به آنچه که مستحق آن هستید، دیر نیست.

1. Dale Turner

آیا آمادگی آن را دارید که رویایتان را بیازمائید؟

ممکن است به خود بگویید: «بسیار خوب، من رویایی در سر دارم. فکر می‌کنم رویای ارزشمندی است. خوب، حالا باید چه کار کنم؟ از کجا بدانم از شانس خوبی برای دستیابی به این رویاها برخوردارم؟» این ما را به سمت سؤالاتی سوق می‌دهد که ده فصل این کتاب را در بر می‌گیرند. این سؤالات از این قرارند:

۱. سؤال مالکیت: آیا رویایم به واقع همان رویایی است که به خود من قول داده‌ام؟
۲. سؤال وضوح: روشنی: آیا رویایم را به روشنی می‌بینم؟
۳. سؤال واقعیت: آیا برای دستیابی به رویایم، به عواملی که در اختیار من هستند، وابسته‌ام؟
۴. سؤال اشتیاق: آیا رویایم مرا به آن می‌دارد که آن را تعقیب کنم؟
۵. سؤال مسیر: آیا برنامه‌ای برای رسیدن به رویا و آرمان‌هایم دارم؟
۶. سؤال اشخاص: آیا کسانی را که برای پیشرفت من و دریافتن رویایم به آنها احتیاج دارم، در نظر گرفته‌ام؟
۷. سؤال هزینه: آیا حاضرم بهای رسیدن به رویایم را بپردازم؟
۸. سؤال پیگیری: آیا به رویایم نزدیک‌تر می‌شوم یا از آن فاصله می‌گیرم؟
۹. سؤال رضایت: آیا تلاش برای تحقق رویایم به من احساس رضایت می‌دهد؟
۱۰. سؤال اهمیت: آیا رویای من نفعی به حال دیگران دارد؟

معتمد اگر به دقت هر یک از این پرسش‌ها را مرور کنید و صادقانه خود را زیر ذره‌بین قرار دهید و به همه این سؤالات پاسخ مثبت دهید، شانس اینکه به رویاهایتان برسید، بسیار زیاد است. هرچه جواب آری بیشتری بدهید، به تحقق هدف‌هایتان نزدیک‌ترید. من معتمد که همه می‌توانند رویای ارزشمندی در سر بپرورانند و اغلب از توانایی دستیابی به آن برخوردارند. مهم نیست که دیگران رویای شما را به دور از واقعیت‌ها ارزیابی کنند؛ مهم این است که پاسخ شما به این سؤالات مثبت باشد.

«همیشه به خاطر داشته باشید که در این دنیا با دو گونه از انسان‌ها روبرو هستیم: یکی واقع‌گرایان و دیگری، رویاپردازان. واقع‌گراها می‌دانند به کجا می‌روند، اما رویاپردازان پیشاپیش به آنجا رسیده‌اند.»
- رابرت اُوربن -

رابرت اُوربن^۱ - سخنرانی‌نویس و نویسنده کمدی - می‌گوید: «همیشه به خاطر داشته باشید که در این دنیا با دو گونه از انسان‌ها روبرو هستیم: یکی، واقع‌گرایان و دیگری، رویاپردازان. واقع‌گراها می‌دانند به کجا می‌روند، اما رویاپردازان پیشاپیش به آنجا رسیده‌اند.» اگر شما رویاپرداز هستید و قبلاً به جایی که در ذهن خود ساخته و پرورش داده‌اید، رسیده‌اید، قدم بعدی این است که رویای خود را آزمون کنید. من قویاً توصیه می‌کنم پیش از خواندن سایر مطالب این کتاب، این آزمون را

1. Robert Orben

تکمیل کنید. هرچه بیشتر برای رویای خود تلاش کنید، به احتمال بیشتری رویای شما به تحقق خواهد پیوست.

آزمون رویا

من این «آزمون رویا» را تدارک دیده‌ام تا به شما کمک کنم به سؤالات مطرح شده جواب درست یا غلط بدهید. پس از آنکه آزمون را تکمیل کردید، اسم سه نفر را بنویسید که شما را خوب می‌شناسند و می‌توانند به شما کمک کنند تا با خودتان را ارزیابی کنید. اگر تاکنون رویایتان را با آنها در میان گذاشته‌اید، حالا این کار را انجام دهید. بعد، از آنها بخواهید با توجه به شناختی که از شما دارند، آزمون را تکمیل کنند. در ضمن، از آنها بخواهید با در نظر گرفتن امتیازی بین ۱ (ابتداً شانس وجود ندارد) تا ۱۰ (صد درصد شدنی است) امکان دستیابی شما به رویایتان را تخمین بزنند.

۱. سؤال مالکیت: آیا رویایم به واقع متعلق به خود من است؟

- (الف) من در این دنیا بیش از هر کس از تحقق رویایم لذت می‌برم.
(ب) من رویایم را با دیگران، از جمله با عزیزانم در میان گذاشته‌ام.
(ج) با وجودی که دیگران رویای مرا به چالش گرفتارند، اما هنوز به آن پایبندم.

۲. سؤال وضوح و روشنی: آیا رویایم را به روشنی می‌بینم؟

- (الف) می‌توانم رویایم را در یک جمله توضیح بدهم.
(ب) می‌توانم تقریباً به هر سؤالی درباره رویایم پاسخ دهم، به شرطی که این سؤال با «چه» و «چه چیز» شروع شود، نه «چگونه».